

بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش

عطاءالله مقدم فر^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷

چکیده

این مقاله با بررسی روندهای چهارگانه امنیتی در عراق کنونی، به بررسی دلایل ایجاد و تداوم شرایط بحران آمیز در عراق پرداخته و عوامل مؤثر در این بحران را با تأکید بر ظهور داعش در دو سطح داخلی و خارجی احصاء کرده است. این مقاله درصدد است با تأکید بر عوامل و متغیرهای مرتبط با سوانح تاریخی و تعارضات هویتی نظیر مسائل مرتبط با اقوام، مذاهب و بافت اجتماعی عراق؛ و نهایتاً تحمیل‌های نظام بین‌الملل که ناشی از مؤلفه‌هایی چون تأثیرپذیری شدید عراق از آن، حضور بازیگران خارجی مداخله‌گر و نگاه منفی کشورهای عربی به عراق است، چرایی ظهور بحران در قالب گروهی افراط‌گرا همچون داعش را بررسی کند. مبنای نظری مقاله، دیدگاهی واقع‌گرایانه است که با روشی توصیفی - تبیینی مبتنی بر احصاء مؤلفه‌ها؛ که در دسته پژوهش‌های نظری - کاربردی قرار می‌گیرد انجام پذیرفته است. سؤال این است که: «علل بحران‌ها و تداوم ناامنی‌ها در عراق کنونی در سطح داخلی و خارجی چیست؟ و از این رو چرا گروهی افراط‌گرا چون داعش در عراق بروز و ظهور پیدا کرده است؟». یافته‌های مقاله حاکی از این است که با توجه به عوامل مختلف در سطوح ملی و فراملی در عراق، این کشور مملو از عوامل بحران‌زای متعددی است که حتی اگر گروه‌های مختلف این کشور به طور نسبی از بن‌بست‌های سیاسی نیز خارج شوند، چنین شرایطی باثبات نبوده و کم‌اکنون شکننده خواهد بود؛ لذا همواره می‌باید منتظر بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در این کشور بود. جمع‌بندی اینکه با تأکید بر ظهور گروهی افراط‌گرا و تکفیری چون داعش در عراق، واقعیت این است که فرونشاندن بحران داعش در شرایط کنونی تنها در حد از دست دادن سرزمین تحت اشغالش محقق شده و سر برآوردن افراط‌گرایی در عراق، در قالب جریانی نوظهور با نکیه بر مؤلفه‌هایی چون نیروی انسانی، نیروی نظامی و مهم‌تر از آن‌ها «بائولوژی» را همچنان محتمل می‌کند.

کلید واژه‌ها

عوامل بحران، عراق جدید، افراط‌گرایی، دیدگاه واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل، ظهور داعش.

مقدمه

عراق از جمله کشورهایی است که در طول دهه‌های گذشته همواره یکی از موضوع‌های بحران منطقه‌ای در غرب آسیا بوده است؛ در حقیقت، تحولات عراق از دهه ۱۹۵۰ تاکنون به یکی از موضوعات اصلی تغییر معادله قدرت و معاهدات منطقه‌ای بدل شده است. عراق پس از فروپاشی رژیم بعثی صدام، تغییرات گسترده و دگرگونی‌های وسیعی را در عرصه‌های داخلی و مناسبات خارجی و منطقه‌ای خویش تجربه نموده است (آیتی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

طی دهه‌های اخیر، غرب آسیا کانون بحران‌های گوناگونی بوده که جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است؛ در این میان، یکی از پدیده‌های قابل اعتناء در عرصه روابط بین‌الملل، افراط‌گرایی است که اکنون در غرب آسیا و بیشتر کشورهای اسلامی فعالیت دارد. امروزه برخی گروه‌های افراطی برای دسترسی به اهداف خود، از ابزار تروریسم استفاده می‌کنند؛ تروریسم به‌مثابه گونه‌ای از خشونت سیاسی که هرچند از ابتدای هزاره سوم، به‌طور ویژه در دستورکار امنیتی کشورها قرار گرفته است، اما شکل اخیر تکفیری آن در پی خیزش‌های اسلامی در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر برآورده که در واقع، در قالب یک تهدید جدی امنیتی و در ظاهری به مراتب خشن‌تر ظاهر شده است (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

وجود شکاف‌های عمیق قومی - مذهبی در غرب آسیا و ژرف‌تر شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرت و خلأ امنیتی ایجاد شده، این منطقه را به بهشت گروه‌های افراطی همانند داعش^۱ تبدیل کرده است. قدرت‌گرفتن داعش در عراق و سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشورها، نه‌تنها عراق و سوریه را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی روبه‌رو ساخته، بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است (آجیلی و مبینی کیشه، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

از میان همسایگان عرب در منطقه خلیج فارس، بی‌تردید کشور عراق به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص سیاسی، امنیتی، قومی، فرهنگی و تاریخی نقطه اصلی نگاه ایران به منطقه و

1 - ISIS {Islamic State of Iraq and Syria}

جهان عرب به حساب می‌آید. از یک نقطه نظر ایرانی، عراق یک کشور چند قومی و «ساختگی» است که توسط سیاست خارجی دولت انگلستان برای حفظ منافع خود و برقراری تعادل قدرت در منطقه و خصوصاً با ایران به وجود آمده است (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۵).

در طول بیش از ۳۰ سال گذشته، چالش‌های امنیتی ناشی از حضور مسلط یک حکومت سنی در قالب حزب بعث عراق، مظهر نابسامانی‌ها و تنش‌های بی‌شماری در منطقه خلیج فارس بوده است. سرنگونی صدام حسین و متعاقب آن به بن‌بست رسیدن ایدئولوژی حزب بعث در تعریف امنیت منطقه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای منافع ملی ایران به همراه آورد که شناخت این فرصت‌ها و هدایت چالش‌ها بر اساس واقعیات موجود میان دو کشور و واقعیات و تحولات منطقه‌ای و جهانی، همچنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

ادبیات و مبانی نظری

یکی از ویژگی‌های بحران‌های بین‌المللی، پیچیدگی و چند لایه بودن آن‌ها است؛ بنابراین در مباحث مربوط به تحلیل یک بحران، بعضاً یک رهیافت نظری، قابل تعمیم به همه سطوح و لایه‌های تشکیل‌دهنده بحران نیست؛ لذا همان‌طور که برچر^۱ نیز تأکید دارد:

«برای تحلیل نظری بحران‌های بین‌المللی، ممکن است یک نگاه پلورالیستی نظری را دنبال کرد» (برچر، ۱۳۸۲: ۱۴).

در مورد بحران عراق، دیدگاه واقع‌گرایانه^۲ به‌خوبی تبیین‌کننده همه سطوح است؛ هرچند باید یادآوری کرد که ویژگی‌های تئوری تعمیم‌یافته در هر سطح متفاوت است؛ بر همین اساس، با توجه به اینکه متغیرهای دخیل در این بحران در سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند، دیدگاه‌های نظری مربوط به هر سطح، مختص همان سطح می‌باشد. در سطح خرد که به بررسی ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی عراق نگریسته می‌شود، از مبانی نظریه تئوری واقع‌گرایانه انتخاب عقلانی^۳ استفاده می‌شود؛ طبق این تئوری، بحث بافت

1 - Michael Brecher
2 - Theory of Realism
3 - Rational Choice

اجتماعی داخل عراق، نوع نگرش اهل سنت داخل عراق، تعارضات هویتی و فقدان هویت ملی فراگیر و فقدان سابقه تاریخی نیز از جمله عواملی است که در کنار مباحثی چون ناهمگونی نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری کشور، فقدان رهبری فراگیر، ابهامات و ضعف‌های قانون اساسی، اختیارات گسترده پست نخست‌وزیری که توسط حکام و نخبگان برای حفظ یا کسب قدرت تفسیر می‌شود، به عنوان عوامل اصلی مطرح می‌شود (Kafmann, 2006: 66 - 68).

در خصوص بحران عراق، مفروض‌ها و آموزه‌های دیدگاه واقع‌گرایانه و انتخاب عقلانی بیشتر تبیین‌گراست^۱. اغلب مردم عراق از نظر دینی مسلمان اما از نظر مذهبی با سمت‌گیری شدید شیعه و سنی هستند؛ بنابراین منازعاتی که در آن نقش مذهب بسیار پررنگ است در میان آنان کم نیست.

از این رو در سطح فرو ملی و ملی دیدگاه واقع‌گرایانه به‌خوبی بیانگر رقابت‌ها برای کسب قدرت و طراحی یک سیستم مبتنی بر تنش برای به دست آوردن قدرت دولت موجود در عراق است (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

در سطح کلان نیز، با عنایت به تأثیرپذیری شدید عراق از نظام بین‌الملل، دیدگاه واقع‌گرایانه مبتنی بر تمرکز بر توازن قدرت در سطح منطقه و همچنین توازن قدرت بین منافع بازیگران خارجی مداخله‌گر در منطقه غرب آسیا تبیین‌کننده وضعیت است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است؛ که در آن به طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق، فرضیه پژوهش آزموده شود؛ از نظر ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی است؛ در تحقیق توصیفی، وضعیت مورد نظر، بررسی و به توصیف نظام‌مند آن پرداخته می‌شود. در تحقیقات تبیینی با استفاده از منابع معتبر تلاش می‌شود تا ویژگی‌های پدیده‌های سیاسی و دلایل بروز آن‌ها توضیح داده شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۶۷).

1 - Explanatory

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در عراق در سطح «داخلی، فرو ملی و ملی» چه بوده است؟

- عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در عراق در سطح «خارجی» چه بوده است؟
- با عنایت به عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در عراق چرا گروهی افراط‌گرا چون داعش در عراق ظهور پیدا کرد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، سطح تحلیل تحقیق را به سه بخش خرد، ملی و کلان تقسیم کرده و سه فرضیه ارائه شده است که عبارت‌اند از:

الف) فقدان سابقه تاریخی، تعارضات هویتی و فقدان هویت ملی فراگیر، ناهمگونی نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری کشور، فقدان رهبری فراگیر، ابهامات و ضعف‌های قانون اساسی، اختیارات گسترده پست نخست‌وزیری، نوع نگرش اهل سنت داخل کشور و بافت اجتماعی داخلی عراق به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد و تداوم بحران در عراق محسوب می‌شوند.

ب) تأثیرپذیری شدید عراق از نظام بین‌الملل، حضور بازیگران خارجی مداخله‌گر، نگاه منفی کشورهای عربی به عراق و عملکرد آمریکا از اصلی‌ترین عوامل خارجی و بین‌المللی ایجاد و تداوم بحران در عراق محسوب می‌شوند.

ج) با عنایت به عوامل بحران در عراق، بررسی چرایی ظهور داعش در عراق به شناسایی عواملی چون چالش‌ها و اختلافات سیاسی و مذهبی درون عراق، عدم شکل‌گیری صحیح روند دولت - ملت‌سازی، حکمرانی ضعیف و تشدید خشونت‌ها به‌عنوان عوامل داخلی و تأثیر بازیگران منطقه‌ای بر قدرت‌یابی داعش، خلأهای امنیتی مزمن در عراق، تجارت اسلحه، ایجاد و تضمین امنیت پایدار برای رژیم صهیونیستی به عنوان عوامل خارجی انجامیده است.
در این پژوهش سه فرضیه پیش‌گفته به محک آزمون گذاشته شده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رویکرد تبیینی - توصیفی درصدد یافتن پاسخ پرسش‌ها هستیم.

پیشینه پژوهش

برخی پژوهش‌ها که به بررسی تحولات عراق و پیشینه ظهور داعش پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

۱. رستمی و اسماعیلی در مقاله‌ای با عنوان «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله جریان‌های تکفیری» در مجله «مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشگاه امام حسین؛ ۱۳۹۵»، ظهور اندیشه سلفی‌گری تکفیری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل فتنه‌گری در جهان اسلام دانسته‌اند.
۲. محمدی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهبرد رسانه‌ای گروه تکفیری - تروریستی داعش» در مجله «مطالعات عملیات روانی»، تشکیل داعش در سوریه و عراق و اعلام تشکیل دولت اسلامی از سوی این گروه را فصلی جدید از تحركات تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل دانسته که نماد آن را می‌توان، حضور و تأثیر رسانه‌ها در فعالیت‌های تروریستی برشمرد.
۳. نشریه «پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی» دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) در مقاله‌ای با عنوان «پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن» به قلم مزینانی و خسروپناه، ارزیابی امنیتی تکفیرگرایی معاصر در چارچوب ترکیبی از طریق طرح ایده اعمال حداکثر قدرت را متأثر از فرایند غیر مشارکتی امنیت‌سازی، فرقه‌گرایی مرجع امنیت، منافع جزئی‌نگر و از منظر شاخص مشارکت قشری‌گرا و نوع فعالیت دارای رویکرد پاک‌سازی و نسل‌کشی دانسته است.
۴. از دیدگاه تاجیک و همکاران در مقاله «گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز - تیلی» مندرج در مجله آفاق امنیت دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۳، نخستین مستمسک این گروه در اقدامات تروریستی را «سقوط دولت‌هایی مانند سوریه و عراق» می‌داند که به زعم داعش، هم‌پیمان نظام کفر تلقی می‌شوند.
۵. هادی آجیلی و زهرا مبینی نیز در «فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین؛ ۱۳۹۳» به «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه» پرداخته‌اند.

تحلیل روان - جامعه‌شناختی مولای متقیان امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) پیرامون عراق و مردم آن

با نگاهی به مجموعه فرمایش‌های امام علی (علیه‌السلام) در خطبه‌های نهج‌البلاغه، نشانه‌هایی راهبردی از منظر تشریح وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی حالات روحی، روانی مردم عراق - که در کلام امام بیشتر با تعبیر «مردم کوفه یا بصره» از آن یاد شده؛ که می‌توان آن را تعمیم‌یافته به کل عراق کنونی تلقی کرد - مشاهده می‌شود.

مولای متقیان در خطبه‌های ۲۷، ۲۹ و ۳۹ نهج‌البلاغه به تفسیر و سپس تبیین ویژگی‌های مردم عراق پرداخته‌اند؛ نارضایتی حضرت از تعصب بی‌جا، نافرمانی، تشتت رأی، بهانه‌گیری، منفعت‌محوری، دنیاطلبی و سست‌عنصری ایشان تا بدان‌جا است که سرانجام درد دل خود را با خداوند چنین در میان می‌نهد:

«خدا یا! اینان از من خسته‌اند و من از آنان خسته؛ آنان از من به ستوه‌اند و من از آنان دل‌شکسته؛ پس بهتر از آنان را مونس من دار و بدتر از مرا بر آنان بگمار» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۵).

در مجموع می‌توان گفت که حجم بسیار اندکی از کلام امیرالمؤمنین در ستایش آن‌ها (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۷) و وجه بیشتر فرمایش‌ها در نکوهش رفتار ایشان است تا آنجا که در برخی موارد کار به نفرین می‌کشد و امام علی (علیه‌السلام) با کمال تأسف مرگ خود را از خدا می‌خواهد. آنان که تاریخ اسلام را به دقت نخوانده و مردم عراق آن‌روز را نشناخته و از پیشینه آنان ناآگاه باشند، شاید از درک علت ناخشنودی و عمق تعبیر امام علی (علیه‌السلام) در بمانند!

۱. بررسی روندهای چهارگانه امنیتی در عراق

عراق از زمان حمله آمریکا دوره‌های متفاوتی را از نظر شرایط امنیتی طی کرده است؛ در این دوره‌ها شرایط امنیتی تابعی از سطح چالش‌های درونی عراق و چگونگی این چالش‌ها بوده است؛ بر این اساس می‌توان عراق را به چهار دوره متفاوت از منظر شرایط امنیتی، از زمان حمله آمریکا تاکنون، تقسیم کرد.

دوره اول ماه‌های اولیه پس از اشغال عراق را شامل می‌شود. دوره دوم، دوره تشدید و به اوج رسیدن ناامنی‌ها است که تا اواخر سال ۲۰۰۵ و اوایل سال ۲۰۰۶ را در برمی‌گیرد؛ دوره

سوم دوره کاهش ناامنی‌ها و بهبود شرایط امنیتی به صورت نسبی است که از سال ۲۰۰۶ تا اوایل ۲۰۰۹ را شامل می‌شود؛ دوره چهارم دوره ظهور مجدد ناامنی‌ها و تداوم چرخه ثبات نسبی - ناامنی نسبی است که از ابتدای سال ۲۰۰۹، آغاز شده است (نشست تخصصی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸).

۱-۱. دوره ورود اشغالگران

دوره اول، دوره فروپاشی رژیم صدام و آغاز کنترل نیروهای آمریکایی در عراق، طراحی‌های جدید درون عراق و به موازات آن شکل‌گیری چالش‌های داخلی بود؛ در این دوره به دلیل شرایط اولیه پس از اشغال و عدم وجود نیروهای مخالف داخلی و منطقه‌ای جدی، ناامنی‌ها در سطح پایینی است (دارمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

۱-۲. دوره اوج‌گیری ناامنی‌ها

دوره دوم، دوره‌ای است که در آن چارچوب نظام سیاسی جدید عراق به تدریج مشخص می‌شود و دولت دموکراتیک با حاکمیت شیعی - کُرد، از مشخصه‌های آن است؛ در این دوره سنی‌ها مشارکت در روند سیاسی و عرصه قدرت را نفی کرده و تشدید منازعه قدرت گروه‌های سنی رخ می‌دهد. رویکرد اولیه سنی‌ها مواجهه و مقاومت مسلحانه بود که سپس به رویکرد دوگانه مشارکت و مقاومت تبدیل می‌شود. مشخصه دیگر این دوره تثبیت حضور آمریکا در عراق است که باعث شکل‌گیری گروه‌های شورشی و همچنین ورود ستیزه‌جویان افراط‌گرای خارجی می‌شود؛ این مسئله تشدید ناامنی‌ها از سوی گروه‌های شورشی را در پی داشت که انفجار سامرا در فوریه ۲۰۰۶، اوج عملیات‌های خشونت‌آمیز شورشی‌ها بود؛ مشخصه دیگر این دوره فقدان حمایت منطقه‌ای قوی از عراق و افزایش چالش‌های درونی این کشور بود که به معنای تشدید فزاینده چالش‌های منطقه‌ای دولت عراق بود (دارمی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

۱-۳. دوره بهبود نسبی شرایط امنیتی

از مشخصه‌های این دوره افزایش سطح مشارکت گروه‌های سنی در روند سیاسی عراق، به معنی گرایش بیشتر به رویکرد مشارکتی و راه‌حل‌های سیاسی به جای تقابل نظامی بود؛ نمونه عمده این رویکرد، مشارکت سنی‌ها در انتخابات مجلس نمایندگان عراق در دسامبر ۲۰۰۵ بود؛ نکته دیگر، اقدامات دولت عراق در تعدیل قانون بعضی‌زدایی و جذب عناصر سنی در ارتش و

سازمان‌های دولت و پیگیری روند آشتی ملی بود که در کنار رویکرد مشارکتی سنی‌ها، در مجموع به کاهش سطح چالش گروه‌های سنی با دولت منجر شد؛ دومین مشخصه دوره سوم امنیتی عراق، تضعیف توان و گستره عملیاتی القاعده در این کشور بود؛ بخش عمده‌ای از این مسئله به رویکرد خشونت‌آمیز القاعده عراق و واکنش سنی‌ها در مقابل آن بود که به تقابل نظامی سنی‌ها با القاعده منجر شد؛ آمریکایی‌ها نیز با استفاده از این فرصت به سازماندهی نیروهای محلی سنی در قالب شوراهای بیداری^۱ پرداختند؛ نتیجه اصلی این تحول کاهش چالش سلفی‌ها و القاعده برای دولت عراق بود (دارمی، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

دیگر ویژگی این دوره فشارهای آمریکا به کشورهای منطقه جهت همکاری و نظارت مرزی بیشتر و آغاز تعاملات دیپلماتیک بین کشورهای عربی و دولت عراق بود؛ این مسئله باعث کاهش چالش‌های منطقه‌ای عراق شد؛ گرچه هنوز ناخرسندی اعراب از وضعیت عراق تداوم دارد. در مجموع نتایج اقدامات و تحولات دوره سوم، بهبود نسبی شرایط امنیتی عراق بود (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۵).

۴-۱. دوره ثبات و ناامنی نسبی

مشخصه عمده دوره چهارم، شرایط امنیتی عراق حاصل از نتایج تحولات دوره قبل بود؛ از جمله این نتایج می‌توان به تقویت دولت عراق در عرصه داخلی و منطقه‌ای، توافق‌نامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق، تحول استراتژی آمریکا از حضور نظامی به حضور سیاسی و اطلاعاتی، احساس تهدید دولت عراق از فعالیت عناصر شوراهای بیداری و نفوذ بعثی‌ها در ساختارهای سیاسی و امنیتی جدید اشاره کرد؛ از ویژگی‌های این دوره آغاز اعمال تدریجی حاکمیت از سوی دولت عراق و تلاش برای تقویت دولت مرکزی بود که با حفظ و افزایش نفوذ سیاسی و اطلاعاتی از سوی آمریکا در عراق، در تقابل نسبی قرار گرفت (دارمی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

مشخصه دیگر، تنش‌های بین شوراهای بیداری و دولت عراق با توجه به تلاش دولت برای جذب، انحلال و مهار این شوراهاست که برخی گرایش‌های مجدد به القاعده و افزایش

۱ - المجلس الوطني لإنقاذ العراق

نامنی‌ها را در پی دارد؛ عامل دیگر، افزایش تعامل و همکاری سلفی‌های القاعده و عناصر بعثی است که چالش سلفی - بعثی و نامنی ناشی از آن را تشدید می‌کند؛ علاوه بر مؤلفه‌های پیش‌گفته، می‌توان به افزایش فعالیت‌ها و مخالفت‌های عربی در قبال دولت عراق اشاره کرد که از مسائل منطقه‌ای، تغییر دولت در آمریکا و به‌ویژه حساسیت نسبت به نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران تأثیرپذیر است؛ مجموعه عوامل و مشخصه‌های یاد شده، بروز مجدد نامنی و دوره‌ای از ثبات توأم با نامنی‌های نسبی را به همراه دارد (واعظی، ۱۳۸۷: ۹۲).

۲. بررسی عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در سطح داخلی

نکته قابل توجه در بررسی سطح داخلی این است که به سبب درهم تنیدگی مؤلفه‌های فروملی و ملی در عراق جدید تفکیک آن‌ها از هم و تحلیل مجزای ایشان چندان امکان‌پذیر نبوده و در کنار یکدیگر مطرح می‌شوند.

۱- ۲. فقدان سابقه تاریخی

ساکنان سرزمین عراق به‌رغم تاریخ چند هزارساله خود تا پیش از آغاز قرن بیستم هرگز تحت عنوان یک کشور، یا هویت و یا آرمانی مشترک و متأثر از جغرافیایی واحد نبوده‌اند بلکه همواره در طول تاریخ بخشی از یک دولت یا امپراتوری گسترده‌تر و یا هویتی فراگیرتر بوده‌اند؛ این فقدان تجربه تاریخی به همراه نبود یک آرمان و آرزوی مشترک باعث شده است که حتی پس از گذشت ۹۰ سال از تأسیس عراق ساکنان نامتجانس آن - کردها، اعراب شیعی و سنی - هنوز با دیدی غریبانه و توأم با نگرانی به دو همسایه دیگر خود بنگرند و لذا بودنشان در کنار یکدیگر را بیش از آنکه معلول واقعیتی به نام «وطن» مشترک بدانند، ناشی از جبر تاریخی و رقابت‌های استعماری قدرت‌های بزرگ در آغاز سده ۲۰ میلادی می‌دانند که منجر به فروپاشی عثمانی و تأسیس کشورهای کوچک‌تری از جمله عراق شد (پناهی، ۱۳۸۷: ۸۷).

۲- ۲. تعارضات هویتی و فقدان هویت ملی فراگیر

تاریخ کوتاه‌مدت عراق شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است؛ از ابتدای تأسیس این کشور در دهه ۱۹۲۰ تا سال ۲۰۰۳، همواره اقلیت عرب سنی در این کشور قدرت را در دست داشته است و علی‌رغم تلاش‌هایی که بعثی‌ها در سایه گسترش یک ملی‌گرایی افراطی برای جذب اعراب شیعی انجام دادند؛ اما نهایتاً نتوانستند به‌غیر از مرکز عمدتاً سنی‌نشین عراق، دایره

هویت جدید و مورد ادعایشان را به سایر مناطق کشور گسترش دهند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۴۹۳).

پس از سرنگونی صدام که نوعی نظام دموکراتیک مبتنی بر انتخابات آزاد در عراق بر سر کار آمده است نخبگان ابزاری حاضر در قدرت، سعی بر بازتعریف یک هویت ملی گسترده‌تر و امروزی‌تر در این سرزمین کرده‌اند اما این هویت جدید در عمر کوتاه‌مدتش نیز از یک سو به دلیل عدم پذیرش از طرف بازماندگان حکومت قبلی و اعراب سنی و از سوی دیگر به دلیل آزاد شدن بیش از پیش نیروهای گریز از مرکز گروه‌های هویت‌گرای کرد و شیعی نتوانسته است فراگیر شود؛ لذا در عراق همچنان شاهد برتری هویت و منافع قومی و مذهبی بر هویت و منافع ملی هستیم.

۲-۳. ناهمگونی نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری کشور

کشور عراق طی عمر کوتاه خود تاکنون سه سبک مختلف و یا سه شیوه متفاوت حکومت‌داری را به خود دیده است. از ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸، سیستم پادشاهی مبتنی بر نظامی مشروطه بر این سرزمین حاکم بوده است. از کودتای عبدالکریم قاسم تا حمله امریکایی‌ها به عراق در ۲۰۰۳، جمهوری‌های اقتدارگرا با حضور گسترده نظامیان، و پس از دو سال دوران انتقالی، از ۲۰۰۵ تاکنون نظام این کشور به جمهوری فدرالیستی تغییر شکل یافته است (بدیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۳۹).

فقدان تجربه، عدم وجود نهادها و ضعف فرهنگ دموکراتیک در بین مردم و نخبگان مختلف، در کنار سابقه درگیری‌های فزاینده قومی و مذهبی و نبود تجربه تکرر حزبی از جمله ویژگی‌های آسیب‌زای عراق امروزی است؛ این بدان معناست که پیش‌شرط‌های لازم برای تضمین موفقیت سیستم دموکراتیک در عراق امروزی وجود نداشته و نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری و مزمن عراق دچار نوعی ناهمگونی است.

۲-۴. فقدان رهبری فراگیر

در دولت‌های مختلف دنیای کنونی حضور رهبران کارآمد، تأثیرگذار و مدبر که نماینده بخش‌های مختلف جامعه باشند برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های ملی امری لازم و ضروری

است؛ این ضرورت در کشوری چون عراق که یکی از ویژگی‌های عمومی آن ضعف یا فقدان نهادهای مدنی و احزاب متکثر و کارآمد است بسیار حیاتی‌تر است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

آیت‌الله سیستانی، جلال طالبانی، نوری مالکی، ایاد علاوی، مسعود بارزانی، صالح مطلق، مقتدی صدر، ابراهیم جعفری، عمار حکیم، عادل عبدالمهدی، غازی الیاور و... مهم‌ترین رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار عراقی از فردای سقوط صدام حسین تا به امروز بوده‌اند.

آنچه که مشهود است در میان هیچ‌یک از شخصیت‌های مذکور عراقی با توجه به پررنگ بودن وابستگی‌های قومی یا مذهبی، شاهد حضور یک رهبر یا شخصیت فراگیر و به‌تمام معنا ملی نیستیم و هریک از آن‌ها حتی اگر خود را بنابر روش و گفتارشان «شخصیتی ملی» بخوانند اما در عمل و از نظر افکار عمومی نماینده تنها بخشی از جامعه چند تکه عراقی هستند (بشارت، ۱۳۹۱: ۱۲۴)؛ لذا در عراق فعلی جای خالی یک رهبر قدرتمند و تأثیرگذار برای همسو کردن مردم و گروه‌های مختلف کاملاً ملموس و مشهود است.

۵-۲. ابهامات و ضعف‌های قانون اساسی

یکی دیگر از عوامل تداوم بحران در عراق، نارسایی قوانین موجود و ابهامات در درون قانون اساسی است؛ به‌طور مثال قانون اساسی این کشور هیچ‌گاه وضعیت بحرانی امروزی را پیش‌بینی نکرده و در نتیجه راهکاری را هم برای حل آن ارائه نکرده است؛ این بدان معناست که اگر هر راهکاری هم ارائه شود فاقد مبنای قانونی خواهد بود. نکته جالب توجه این است که قانون اساسی جدید عراق که در سال ۲۰۰۵ طی رفراندومی به تأیید عراقی‌ها رسیده است، به فاصله کوتاهی در سال ۲۰۰۹ مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت؛ از جمله ضعف‌های جدی دیگر قانون اساسی این کشور نبود مکانیسم کارآمد برای عمل نمودن به مواد قانونی است (برزگر، ۱۳۸۷: ۷۵).

۶-۲. اختیارات گسترده پست نخست‌وزیری

هرچند عراق دارای پست ریاست‌جمهوری است اما قدرتمندترین فرد عراق، نخست‌وزیر است. بر اساس قانون اساسی عراق شخص نخست‌وزیر دارای دامنه اختیارات و قدرت گسترده‌ای است؛ وی علاوه بر ریاست بر دولت، فرمانده کل قوا نیز محسوب می‌شود و تمامی نیروهای نظامی و انتظامی تحت امرش خواهند بود (پناهی، ۱۳۸۷: ۸۷).

شرایط حاکم بر رفتار سیاسی گروه‌های عراقی همواره این بوده که همگی خواهان حل مشکل تعیین نخست‌وزیر هستند با این تفاوت که در مذاکراتشان هریک می‌خواهند دیگری را با هر شیوه‌ای به قبولی کاندیدای خود برای نخست‌وزیری مجاب کنند.

۲-۷. نوع نگرش اهل سنت داخل عراق

گروه‌های سنی عراق نسبت به بسیاری از ارکان و ساختارهای شکل گرفته در دوره پس از صدام همواره اعتراض و نارضایتی دارند؛ این گروه‌ها نسبت به قانون اساسی عراق، پست‌ها و مقامات اختصاص یافته در دولت، تعیین مرزهای استانی و عدم حضور سنی‌ها در نیروهای سیاسی و امنیتی، نارضایتی‌هایی دارند و در مجموع نگاه آن‌ها به شرایط جدید عراق منفی تلقی می‌شود (پناهی، ۱۳۸۷: ۹۷)؛ این نوع نگرش، تلاش آن‌ها را برای تغییر شرایط عراق در قالب‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز در پی داشته است.

۲-۸. بافت اجتماعی داخل عراق

بافت اجتماعی عراق و شکاف‌های چندگانه قومی - فرقه‌ای، چندپارگی عراق و واگرایی را در این کشور در پی دارد؛ این شکاف‌ها باعث شکل‌گیری منازعاتی در عرصه سیاسی و اختلاف منافع و اهداف کردها، سنی‌ها و شیعیان شده است؛ در نتیجه همواره زمینه اجتماعی و سیاسی بالقوه برای تشدید منازعات و ناامنی‌ها در عراق وجود دارد.

۳. بررسی عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در سطح خارجی

در این قسمت به بررسی بحران در سطح کلان، یعنی عوامل مؤثر بین‌المللی^۱ می‌پردازیم؛ برای بررسی موضوعاتی از این دست باید موضوع در سطح سیستم^۲ و زیرسیستم‌های^۳ منطقه‌ای بررسی شود. در سطح سیستم کلان سیستم و در سطح زیرسیستم نیز رقابت‌های دولت‌های منطقه‌ای بررسی می‌شود. بعد از پایان جنگ سرد در سطح سیستم نقطه عطف بسیار مهمی در تغییر ساختارهای سیاست بین‌الملل، نقش‌ها و کار ویژه‌های دولت - ملت‌ها و همچنین سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمد.

1 - International system

2 - System level

3 - Subsystem level

بسیاری از اندیشمندان ساختار نظام بین‌الملل را یک کلیت می‌دانند و معتقدند که ساختار در وهله اول با تعامل واحدها شکل می‌گیرد؛ اما بعد از شکل‌گرفتن رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند (walts, 1979, 74 - 80).

بعد از فروپاشی شوروی تغییرات گسترده‌ای در سطح ساختار نظام بین‌الملل رخ داد که می‌توان آن‌ها را به نحو ذیل خلاصه کرد:

۱. فروپاشی یکی از ابرقدرت‌ها و پایان نظام دوقطبی؛
۲. تحول در نقش بین‌المللی آمریکا و گرفتن نقش رهبری جهان؛
۳. روند بین‌المللی آزادسازی سیاسی و اقتصادی؛
۴. احیاء هویت‌های ملی، قومی و مذهبی و تلاش جهت خودمختاری واحدهای کوچک‌تر (faur, 2004: 7).

با توجه به این مقدمه برای بررسی کلان بحران عراق باید نقش، منافع و اهداف بازیگران سیستمی و زیرسیستمی در عراق مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۳. تأثیرپذیری شدید عراق از نظام بین‌الملل

تأسیس کشور عراق مسئله‌ای متأثر از بازی‌های قدرت در پس از جنگ جهانی اول بوده است؛ این بدان معناست که تحولات سیاسی و ساختاری در جغرافیایی به نام عراق در طول یک قرن اخیر دارای بیشترین تأثیرپذیری از معادلات قدرت در نظام جهانی بوده و لذا با کشوری مواجهیم که متغیر ساختار و نظام سیاسی‌اش به شدت وابسته به سیاست ابرقدرت‌ها در نظام جهانی است و با توجه به پویایی و تغییرات متعدد نظام جهانی، به‌طور طبیعی شاهد فقدان ثبات و بروز ناآرامی‌های بیشتر در آن خواهیم بود. وجود منابع قابل توجه نفت و نیز موقعیت ژئوپلیتیک این کشور باعث می‌شود تا اهمیت آن برای حضور و تداوم دخالت بازیگران اصلی نظام بین‌الملل حفظ شود و لذا همچنان در آینده نزدیک و یا حتی در میان‌مدت شاهد تأثیرپذیری عراق از سیاست‌های بازیگران هژمون و دیگر رقبای آن‌ها باشیم (پیشگامی‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۹۹).

۲-۳. حضور بازیگران خارجی مداخله‌گر

سقوط رژیم غیرقابل اعتماد که حتی به کشورهای متحدش که روزگاری از هیچ کمکی در جنگ با ایران از وی دریغ نکرده بودند نیز رحم نکرد، زمینه‌ای را فراهم ساخت تا با خلأ

قدرتی که در عراق ایجاد شد، بازیگران منطقه‌ای موجود سعی بر نقش آفرینی و تأثیرگذاری در فردای تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ بکنند. کارنامه تجاوزات مکرر عراق به همسایگانش در دوره صدام باعث شد که عمده کشورهای منطقه؛ متأثر از نگاه رفتارگرایانه رایج در علم سیاست مایل به تشکیل یک دولت قدرتمند در عراق نباشند؛ همچنین رقابت‌های منطقه‌ای و تعارض منافع استراتژیک به‌خصوص از بعد هویتی باعث رودرویی غیرمستقیم بازیگران منطقه‌ای مختلف در عراق شده است. ترس از تقویت هویت شیعی یا بنا به تعبیر پادشاه اردن؛ تشکیل هلال شیعی باعث انسجام کشورهای سنی مذهب در برابر گروه‌های شیعی عراق و به‌خصوص ایران شده است (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۹). نگرانی از قدرت یافتن بیش از پیش کردها و در نتیجه به خطر افتادن تمامیت ارضی عراق یکی دیگر از علل حضور و مداخله کشورهای منطقه‌ای است؛ اما علاوه بر این، تعارض جدی دیگر منافع بازیگران منطقه‌ای با قدرت‌های فرا منطقه‌ای، به‌خصوص آمریکا است؛ هرچند بلافاصله در باور عمومی این سطح تعارض میان ایران و آمریکا دیده می‌شود؛ اما واقعیت این است که به جز ایران دیگر کشورهای قدرتمند منطقه از جمله ترکیه و عربستان نیز هریک بنا به دلایل مختلفی از تحولاتی که آمریکا در عراق ایجاد نمود، راضی نبوده و طی سال‌های اخیر به شیوه‌های مختلف به ابراز مخالفت پرداخته‌اند. مخالفت‌هایی که بعضاً در ایجاد ناامنی و بروز اختلافات بیشتر میان گروه‌های عراقی تأثیر مستقیم داشته است (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۲). فارغ از سطح تحلیل رقابت و تعارض میان بازیگران رسمی در عراق، سطحی دیگر برای بررسی تعارضات موجود در عراق به بازیگران غیررسمی و عمدتاً تروریستی در این کشور برمی‌گردد که در این میان سازمان‌های تروریستی بین‌المللی از جمله القاعده نقش بسزایی در تولید ناامنی در این کشور دارند. حضوری که باعث پیچیده‌تر شدن معادلات امنیتی و در نتیجه ناکارآمدی بیش از پیش راهکارهای پیش روی عراقی‌ها شده و در نتیجه بی‌ثباتی فزاینده این کشور است.

۳-۳. نگاه منفی کشورهای عربی به عراق جدید

نگاه منفی اغلب کشورها به تحولات عراق و ساختار جدید قدرت در آن نیز از عوامل ثابت و مهم ناامنی‌ها و بحران در عراق محسوب می‌شود. تداوم رویکرد منفی کشورهای عربی به عراق جدید، به‌رغم فشارهای آمریکا و غرب بر این کشورها جهت تغییر رویکرد خود در

قبال عراق و حمایت از آن کشور صورت می‌گیرد (عمارظاهر، ۲۰۰۹: ۴۸۶). مخالفت اعراب با حاکمیت شیعی در عراق و پیامدهای آن در عرصه منطقه‌ای، به‌ویژه گسترش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران، از عوامل این رویکرد منفی است و به نظر می‌رسد تا زمانی که نگاه کشورهای عربی به عراق جدید و هویت جدید شکل گرفته در آن تغییر نکند، حمایت منطقه‌ای عربی از ناامنی در عراق تداوم خواهد داشت.

۴-۳. عملکرد آمریکا

عملکرد مقامات و نیروهای آمریکا در عراق نیز از عوامل ناامنی‌های اخیر عراق تلقی می‌شود. آمریکا بسیاری از زندانیانی را که در شورش‌هایی فعال بوده‌اند آزاد کرد و عنوان می‌شود که برخی از این افراد آزاد شده در انفجارهایی نیز دست داشته‌اند؛ مسئله دیگر، تخلیه برخی مناطق از سوی نیروهای آمریکایی بدون اطلاع دولت عراق بود که به خلأهای امنیتی متعدد در این مناطق انجامید.

۴. بررسی عوامل و چرایی ظهور بحران داعش در عراق

سیطره داعش بر مناطق گسترده‌ای از عراق و سوریه، تعجب بسیاری را در محافل سیاسی و امنیتی برانگیخته است؛ این موضوع باعث طرح این پرسش کلیدی می‌شود که چه بسترها و مؤلفه‌هایی در قدرت‌یابی داعش در عراق و سوریه مؤثرند؟ در این راستا می‌توان به طیف وسیعی از عوامل اشاره کرد که عمده‌ترین آن‌ها با چالش‌ها و مشکلات درونی عراق و سپس مسائل، اختلافات و حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مرتبط است.

۱-۴. عوامل داخلی

الف) چالش‌ها و اختلافات سیاسی و مذهبی درون عراق

ساختار اجتماعی عراق، نمایانگر موزاییک رنگارنگ و متنوعی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌هایی است که به اقتضاء موقعیت و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هیچ‌کدام نمی‌توانند بدون اعمال سطحی از خشونت، سلطه‌ای بلامنازع بر دیگر گروه‌ها و اقوام داشته باشند؛ در واقع، جامعه عراق از آغاز شکل‌گیری و شروع تحت‌الحمایگی انگلستان در سال ۱۹۲۰، جامعه‌ای ناهمگون و پرتنش بوده است؛ ذکر این نکته ضروری است که جامعه عراق از چند شکاف اصلی برخوردار است:

- شکاف مذهبی بین اکثریت شیعه و اقلیت سنی مذهب؛

- شکاف قومی - زبانی بین اکثریت عرب و اقلیت غیر عرب کرد، ترکمن و ارمنی؛

- شکاف بین اکثریت مسلمان و اقلیت غیرمسلمان ارمنی و آشوری (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

از این رو عراق کشوری دارای اقوام، ادیان و مذاهب مختلف است که این مسئله همواره منجر به تنش‌های فرهنگی، اجتماعی، قومی و مذهبی در این کشور شده است؛ بر این اساس ثبات سیاسی در کشور عراق همواره از مسیر دیکتاتوری و اعمال خشونت سیاسی دنبال می‌شده و ابزار و نفرات این رویکرد، همواره اعراب سنی مذهب بوده‌اند.

در واقع می‌توان گفت چالش‌ها و اختلافات سیاسی و قومی - مذهبی بین گروه‌های سیاسی عراق و فقدان انسجام و وفاق سیاسی در این کشور از مهم‌ترین عواملی است که باعث گسترش تنش‌های درونی و همچنین افزایش منازعه‌های قومی - فرقه‌ای شده است؛ این تنش‌ها و اختلافات، بسترهای مناسبی را برای بهره‌برداری داعش و گسترش نفوذ و تسلط آن به‌خصوص در مناطق سنی‌نشین عراق ایجاد کرده است (ثقفی عامری، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

ضعف دولت مرکزی در عراق در دوره پس از حکومت صدام در نتیجه شکل‌گیری ساختار فدرال - دموکراتیک و پخش قدرت سیاسی در سلسله‌مراتب و حلقه‌های مختلف حاکمیتی تا حدی از کارآمدی قدرت سیاسی کاسته است؛ با این حال مسئله اصلی جدال و اختلاف بین گروه‌های سیاسی است. اختلافات اقلیم کردستان با بغداد مانع از هم‌گرایی لازم کردی - شیعی در برابر خطر افراط‌گرایی و تروریسم شده است؛ اما از آن مهم‌تر، اختلافات بین رهبران و گروه‌های سنی و دولت مرکزی عراق است که به‌خصوص به جامعه سنی عراق نیز سرایت یافته و باعث نارضایتی‌ها و انتقاد از عملکرد دولت شده است (کتابی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶).

این اعتراضات و انتقادات سنی‌ها در حالی بود که بین گروه‌های سنی عراق و دولت اختلافات و تنش‌های مختلفی در جریان بود و عدم تفاهم برای دستیابی به راه‌حلی جامع برای حل اختلافات و همچنین پایان‌دادن به اعتراضات و انتقادات سنی‌ها، زمینه را برای حضور داعش در مناطق سنی‌نشین ایجاد کرد و نفوذ داعش را در مناطق سنی‌نشین تشدید کرد. مناطق سنی‌نشین عراق را می‌توان بستر مناسبی برای حضور و فعالیت داعش عنوان کرد. در مورد جامعه سنی عراق و رویکرد آن به داعش و تحولات امنیتی اخیر نکات متعددی قابل اشاره است. رهبران سیاسی،

عشایری و مذهبی عراق به چند دسته تقسیم شده‌اند. بخشی از رهبران از دولت در مقابل داعش حمایت کردند؛ اما برخی دیگر یا موضع بی‌طرفانه‌ای در قبال داعش اتخاذ کرده یا به حمایت آشکار و غیرمستقیم از داعش پرداختند (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

(ب) عدم شکل‌گیری صحیح روند دولت - ملت‌سازی

دولت - ملت‌سازی فرایندی است که به دوره مدرن تعلق دارد و طی آن دولت - ملت به‌عنوان شکل جدیدی از ساختار سیاسی شکل گرفت. ملت‌سازی روندی محسوب می‌شود که طی آن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری و تعمیق هویت سیاسی مشترک و احساس تعلق ملی به سرزمین ایجاد می‌شود (kazemi, 2005: 9).

با یک بررسی اجمالی در تاریخ عراق از ۱۹۲۰ به این سو، می‌توان گفت که دولت حاکم بر این کشور، یک دولت بی‌ریشه یا فاقد پایگاه اجتماعی و مقبولیت فراگیر بوده است و یک دولت - ملت فراگیر که تجلی نهادین و فراگیر همه گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی باشد، شکل نگرفته است؛ بنابراین مهم‌ترین ویژگی جامعه عراق از زمان تأسیس تاکنون، برخورداری از دولت‌های بی‌ریشه و بحران هویت یا نبود هویت ملی فراگیر و سیطره اقلیت حاکم عرب‌زبان سنی مذهب بر اکثریت ۸۰ درصدی جامعه در سپهر سیاسی و اجتماعی بوده است؛ چنین ویژگی به شکاف فزاینده دولت و جامعه یا بحران یکپارچگی در جامعه عراق انجامید (Yamacoguz, 2009: 55).

عراقی‌ها تاکنون فاقد تعلقات و حس هویت ملی قوی بوده‌اند. توده‌ها عاری از هر نوع ایده‌های وطن‌پرستانه بوده و مملو از سنت‌ها و علقه‌های مذهبی و قومی بدون هیچ‌گونه پیوند مشترک، مستعد هرج و مرج و آماده قیام علیه حکومت مرکزی هستند (Byman, 2003: 63).

(ج) حکمرانی ضعیف و تشدید خشونت‌ها

یکی از شاخص‌های مهم در ارتباط با مشروعیت حکومت‌ها، کیفیت حکمرانی و کارآمدی حکومت‌ها در نحوه مدیریت و انجام کار ویژه‌های گوناگون در ارتباط با جامعه شهروندان است. «حکمرانی خوب» در مقابل «حکمرانی بد» اصطلاحی است که از دهه ۱۹۸۰ به این سو طرح شده است. مواردی چون تلاش حکومت‌ها برای برقراری عدالت، امنیت، ثبات، کاهش مالیات، گسترش زیرساخت‌ها برای توسعه اشتغال و مانند آن نیز از مصادیق و نشانگان مهم حکمرانی خوب است (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۲).

درخصوص عراق نیز می‌توان گفت که در این کشور حکمرانی خوب به دلایل متعددی شکل نگرفته است. جامعه عراق پس از سقوط صدام، فاقد حکومت مرکزی قوی بوده و تا سال ۲۰۰۴ اعمال مستقیم حکمرانی در اختیار نیروهای ائتلاف بود. پس از ۲۰۰۴ و با وجود انتقال قدرت به عراقی‌ها حکومت شکننده‌ای ایجاد شد که فاقد حمایت عمومی و ناتوان از انجام کار ویژه‌های عمومی در جامعه چندپاره قومی - زبانی و مذهبی مملو از تعارض‌های ریشه‌دار عراق قادر به تحقق حکمرانی خوب و کارآمد در عراق نبوده است (Brinkerhoff & Johnson, 2009: 597).

حکومت مرکزی عراق نتوانسته است خود را از بنیان‌های حاکمیت محدود قومی و مذهبی رها کند و چنین دولت غیر فراگیر، بدون توافق با بنیان‌های مدنی و ملی و لاجرم به دولتی شکننده تبدیل شد؛ در نهایت ضعف حکومت مرکزی و شکننده بودن آن نیز زمینه و بسترهای مناسب را برای اقدامات داعش فراهم کرد. در جامعه عراق حفظ نظم به‌طور سنتی توسط یک منبع مقتدر غیر قابل منازع توسط حزب بعث و صدام حسین، ارتش و استخبارات عراق تأمین می‌شد و افراد در درون کشور مجالی برای عرضه نظر پیدا نمی‌کردند؛ پس از اشغال عراق نیز امریکا نقش این قدرت بلامنازع را ایفا می‌کرد و تأمین نسبی امنیت را بر عهده گرفت. پس از کاهش نیروهای آمریکایی و خروج بخش قابل توجهی از آن‌ها از عراق، وظیفه تأمین امنیت بر عهده نظام سیاسی عراق افتاد که چون فاقد سطح قدرت برتر بود، طمع ناراضیان اهل سنت، بعثی‌ها و فرماندهان سابق ارتش و عناصر استخبارات عراق از توزیع جدید قدرت در ساختار حکومت عراق مبتنی بر رأی مردم را برانگیخت که به دلیل شکست در کسب آراء انتخاباتی، سعی نموده‌اند از راه‌های دیگری چون تروریسم دست به تأمین منافع خود بزنند (کتابی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱).

۲- ۴. عوامل خارجی

الف) تأثیر بازیگران منطقه‌ای بر قدرت‌یابی داعش

در محیط منطقه‌ای عراق، ایران، ترکیه و کشورهای عربی به‌عنوان بازیگران اصلی تأثیرگذار محسوب می‌شوند که هر کدام اهداف و منافع خاص خود را دنبال می‌کنند (اللباد، ۲۰۰۹: ۴۰). ایران ضمن حمایت از تمامیت ارضی، ثبات و امنیت عراق، تقویت حضور گروه‌های شیعی در ساختار قدرت را محور اصلی استراتژی خود می‌داند؛ اما اغلب کشورهای عربی منطقه به حمایت

از دولت جدید عراق تمایل چندانی ندارند و تلاش می‌کنند تا شرایط عراق را به نفع خود تغییر دهند. کشورهای عربی دولت - ملت سازی جدید در عراق را به واسطه شاخصه‌های دموکراتیک آن و به‌ویژه قدرت‌یابی شیعیان، تهدیدی علیه منافع و جایگاه منطقه‌ای خود قلمداد می‌کنند و آن را عاملی جهت برهم‌خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران می‌دانند (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

در واقع، بعد از فروپاشی رژیم بعث در عراق و قدرت‌یابی شیعیان عراق به‌عنوان جمعیت حداکثری در این کشور، عربستان سعودی و برخی دیگر که خود را بازنده بازی قدرت در عراق می‌دیدند همواره بر تنش‌های مذهبی در عراق و در منطقه دامن زده است؛ از این‌رو، این کشورها تلاش می‌کنند تا با افزایش سهم اعراب سنی در ساختار قدرت، از گسترش نفوذ و قدرت گروه‌های شیعی جلوگیری کنند و در این راستا عدم حمایت از دولت نوری مالکی و حتی تسهیل شرایط برای بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر را در دستورکار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. ورود بخشی از شورشیان سنی از کشورهای عربی و همچنین حمایت مالی - تسلیحاتی از شورشیان عراق بخشی از اقدامات بی‌ثبات‌کننده این کشورها است که چالش‌های پیش‌روی دولت عراق را دوچندان می‌سازد (Cordesman, 2010: 3 - 11)؛ بنابراین، یکی دیگر از مؤلفه‌های مهمی که در افزایش توان و نقش‌آفرینی داعش در عراق نقش داشته است، گسترش اختلافات و رقابت‌های بین بازیگران منطقه‌ای در چند سال گذشته در نتیجه بحران‌های جدید منطقه‌ای از جمله در سوریه، مصر، بحرین و سایر کشورهای عربی محسوب می‌شود.

(ب) خلأهای امنیتی مزمن در عراق

- مؤلفه دیگر خلأ امنیتی مزمنی است که نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را در منطقه توجیه می‌کند؛ هر چه این عدم امنیت بیشتر باشد، نیازهای بیشتر و در نتیجه وابستگی بیشتر را در پی خواهد داشت. منابع سرشار زیرزمینی نفت و گاز را می‌توان دلیل تقلای قدرت‌های جهانی برای حضور فیزیکی در منطقه دانست (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۳۸).

(ج) تجارت اسلحه

مسئله بعدی فروش اسلحه به‌عنوان یکی از پرسودترین تجارت‌هاست که همواره با تولید ثروت ماندگار برای قدرت‌های جهانی همراه است. رقابت‌ها، چالش‌ها و مشکلات امنیتی در

منطقه، بزرگ‌ترین فرصت را برای کارتل‌های تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ و رسیدن به منابع سرشار ثروت فراهم می‌آورد (سهرابی، ۱۳۹۶: ۳۵).

د) ایجاد و تضمین امنیت پایدار برای رژیم صهیونیستی

مورد دیگر ایجاد و تضمین امنیت پایدار برای رژیم صهیونیستی است که بحران داعش را نیز در همین چارچوب می‌توان بررسی کرد؛ لذا شاهد یک دوگانگی متضاد در مواضع اعلامی و اِعمالی آمریکا در مورد داعش بوده و هستیم. با وجود قانونی و دموکراتیک بودن دولت عراق، در عمل آمریکا کمک جدی به نوری المالکی برای کنترل بحران داعش نکرد و پس از حدود سه هفته نقطه ثقل پیام‌ها در تحلیل گفتمانی مواضع اعلامی‌اش، از محکوم کردن حرکت داعش به مواضع عربستان مبنی بر اینکه ظهور داعش به واسطه اشتباهات نوری‌المالکی است، متمایل شد. گزارش‌های اسنودن از افشای حمایت آمریکا از داعش نیز دلیلی بر این مدعاست (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۴۲).

۵. تبیین برهم‌کنش عوامل داخلی و خارجی در پیدایش و رشد داعش در عراق

پیدایش و شکل‌گیری داعش در عراق مولود تعامل میان عوامل متعدد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ظهور و رشد بنیادگرایی سلفی و تکفیری در بین اهل تسنن در غرب آسیا در دهه ۱۹۸۰ منجر به تشکیل گروه‌های سلفی تکفیری در کشورهای مختلف منطقه شد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ باعث سرنگونی حزب بعث و انتقال قدرت از دست اهل تسنن به اکثریت شیعه و نیز ایجاد یک خلأ سیاسی در عراق شد؛ این وضعیت زمینه مناسبی را برای رشد و نمو سازمان‌های سیاسی، نظامی و تکفیری در عراق فراهم کرد؛ در این میان ابومصعب الزرقاوی از این هرج و مرج استفاده کرد تا یک تشکل سیاسی - نظامی به وجود بیاورد. هدف زرقاوی از این کار مبارزه نظامی برای اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی، سرنگونی حکومت شیعیان و تشکیل خلافت اسلامی مبتنی بر اندیشه سلفیت در عراق و گسترش آن به سایر کشورهای اسلامی بود.

زرقاوی برای نیل به اهدافش دست بیعت به بن‌لادن داده و نام سازمان خود را به القاعده در عراق تغییر داد؛ ولی دیری نگذشت که به علت اختلافات راهبردی مثل اولویت‌دادن در مبارزه به دشمن دور یا نزدیک و لزوم یا عدم لزوم تشکیل یک دولت، اختلافات مهمی بین

رهبران سازمان القاعده در عراق و بن‌لادن و الظواهری رخ داد؛ این اختلافات نهایتاً منجر به جدائی بین دو گروه شد و باعث شد که جانشینان زرقاوی گروهی مستقل به نام داعش را تشکیل دهند.

جنبش‌های مردمی در غرب آسیا که به بیداری اسلامی موسوم شد نیز بر تطور و تکامل خلافت اسلامی در عراق اثر گذاشت. با بروز ناآرامی‌ها در سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه مساعدی برای گسترش حیطة مبارزه سازمان به مناطق شرقی سوریه پدید آمد. با استفاده از کمک‌های مالی و نظامی دولت‌های منطقه، داعش توانست جای پای خود را در شرق سوریه محکم کند؛ به این ترتیب در سال ۲۰۱۴ گروهی از نیروهای سازمان از سوریه وارد خاک عراق شدند و مناطق گسترده‌ای از غرب عراق از جمله شهر موصل را به تصرف خود درآوردند؛ این پیشروی‌ها زمینه را برای اعلام تشکیل خلافت اسلامی در قلمرو سازمان فراهم کرد؛ به این شکل سازمان یک دولت جدید در غرب آسیا تشکیل داد؛ گرچه هیچ کشوری این دولت را به رسمیت نشناخت ولی این پدیده کماکان یک واقعیت عینی بود.

در طی دوازده سالی که از تشکیل هسته اولیه داعش گذشته است سازمان، پستی و بلندی‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است؛ اما از زمانی که ابوبکر البغدادی هدایت داعش را در سال ۲۰۱۰ به عهده گرفت، این گروه دچار تحول شد. در طول هشت سال گذشته داعش توانست بارقه‌ای از امید را در میان اهل سنت افراطی در منطقه روشن کند؛ از یک سو، دست به تشکیل آنچه نظام خلافت اسلامی می‌خواند زد و از سوی دیگر تلاش کرد در قلمرو خود امکانات یک زندگی نسبتاً آرام را برای سکنه خود فراهم کند؛ به موازات این مساعی، پیروزی‌های نظامی داعش این امید را در بین برخی جریان‌های اهل سنت وهابی و سلفی در عراق و سوریه تقویت کرد که وی از این توانایی برخوردار است که امنیت آنان را تضمین کرده و عصری نو را برای آنان رقم بزند.

دستگاه تبلیغاتی سازمان هم در موفقیت آن نقش مهمی ایفاء کرد؛ این دستگاه تبلیغاتی با رسم تصویری مثبت از سازمان توانست هزاران داوطلب اعم از زن و مرد را از اقصی نقاط جهان برای پیوستن به صفوف داعش جذب کند؛ علاوه بر آن، با تهیه فیلم‌هایی از اعدام مخالفین به‌خصوص از طریق بریدن سر آن‌ها موجی از ترس را در دل مخالفین داعش ایجاد

کرد که سبب شد در بسیاری از درگیری‌های نظامی قوای ارتش عراق و سوریه و نیز پیشمرگان کرد از برابر رزمجویان داعش بگریزند.

یکی دیگر از نقاط قوت داعش توانایی آن در تأمین مالی فعالیت‌هایش بود. مدیریت مؤثر بر منابعی که در دسترس آن قرار داشته است به داعش اجازه داد که از نظر مالی بر روی پاهای خود بایستد؛ عمده این درآمدها از راه فروش نفت خام مخازن نفتی که در عراق به دست سازمان افتاد، تأمین می‌شد. همین منابع به داعش اجازه داد که به یکی از ثروتمندترین سازمان‌های تروریستی جهان تبدیل شود؛ با وجود درآمدهای نفتی قابل توجه، داعش از منابع درآمدی دیگری که در اختیارش بوده است غفلت نرزد. کمک‌های مالی آشکار و نهان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس اغلب از طریق سرویس‌های اطلاعاتی، فروش عقیقه‌جات، بستن مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی و کامیون‌های عبوری و گروگان‌گیری هم از طرق دیگر تأمین مالی این سازمان بوده است؛ به این شکل بود که داعش اغلب از نظر تأمین مخارج فعالیت‌های خود مشکلی نداشت.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها: از میان رفتن داعش و آینده بحران در عراق

با بررسی عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران در سطح داخلی می‌توان دو دیدگاه تئوریک «سمبلیک رفتاری» و «دیدگاه واقع‌گرایی و انتخاب عقلانی» را مورد تحلیل قرار داد؛ از این منظر و با توجه به مؤلفه‌های اشاره شده در بندهای پیشین در مجموع «احساس تبعیض و عدم برابری در برخورداری از منابع ملی» از سوی اغلب گروه‌های قومی (عرب، کرد و...) و مذهبی (شیعه، سنی و...) در کنار فقدان تجارب تاریخی مشترک و ضعف‌های ساختاری در حکمرانی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد بحران در سطح خرد بوده است و فرضیه تحقیق در این خصوص به اثبات می‌رسد.

در مجموع می‌توان گفت اقدامات زیادی در سطح زیرسیستم منطقه‌ای و بین‌المللی اعم از موافقت‌نامه، نشست و... برای مواجهه با بحران در عراق صورت گرفته است و البته همه همسایگان عراق نیز در تلاش‌اند که به نوعی در آن نقشی داشته باشند. پیچیدگی منافع و علائق گروه‌های درگیر در بحران عراق در سطح ملی، همچنین منافع متعارض کشورهای

همسایه در سطح منطقه و علاوه بر آن منافع متعارض در سطح سیستمی، رسیدن به یک راه حل جامع برای حل و فصل سریع بحران عراق را با مشکل مواجه ساخته است. اما حال که عراق از چنگال تروریست‌های داعشی رهایی یافته و محدود شهرهای باقی مانده نیز یک به یک آزاد می‌شوند؛ این موضوع می‌تواند به معنای پایان داعش در عراق تلقی شود؟ پس از پاکسازی موصل و آزادسازی دیگر شهرهای عراق احتمال قوی می‌رود که این گروه تروریستی حملات پراکنده اما قدرتمندی را در نقاط مختلف این کشور به‌ویژه اطراف پایتخت یا مناطق آزاد شده انجام دهد؛ اما باید در نظر داشت که رشد یا ضعف گروه‌های تکفیری و ظهور مجدد آن‌ها در عراق تابع چند عامل است: قدرت دولت در جلب اعتماد مردم اهل سنت مناطق مختلف عراق به‌ویژه مناطق آسیب‌دیده، برطرف کردن احساس به حاشیه رانده شدن اهل سنت ولو اینکه این احساس واقعی نباشد، مناسبات سیاسی عراق و عربستان و بهبود یا سرد ماندن آن، جذب حداکثری مخالفان سیاسی و مصالحه عمومی، تعامل با عناصر حزب بعث که همچنان به فعالیت‌های تخریبی خود ادامه و بخش عمده‌ای از ساختار رهبری داعش را شکل می‌دهند، انبوه سلاح برجای مانده در دست مردم و گروه‌های مسلح، همگرایی احزاب و جریان‌های سیاسی عراق یا افتراق آنان (ابوبکر، ۱۳۹۵: ۷۶).

این عوامل نقش مؤثری در ظهور یا ضعف گروه‌های تروریستی پس از داعش در عراق دارند. نباید فراموش کرد که با نابودی داعش نظامی، گروه‌های محلی جهادی که در سال ۲۰۱۴ به آن پیوستند یا برخی از آن‌ها از ترس تصفیه‌شدن، مخفی شدند، عوامل بالقوه تهدیدآمیزی هستند که می‌توانند در زمان مقتضی به ایجاد مشکلات امنیتی جدید برای عراق منجر شوند؛ بنابراین عوامل مورد اشاره و چگونگی تعامل دولت با آن‌ها، به‌ویژه دولتی که در نتیجه انتخابات پارلمانی سال آینده بر سرکار خواهد آمد بسیار مهم و حائز اهمیت است؛ در هر صورت شناخت بهتر گروه‌های تکفیری و تروریستی در عراق و شناخت گونه‌های آنان، نیاز جدی به شناخت ریشه‌های سلفیه در تاریخ عراق، به‌ویژه عراق معاصر دارد. مدلی که علاوه بر اهداف افراطی ایدئولوژیکی، اهداف سیاسی آن علیه فرایند سیاسی در عراق پس از صدام نیز مشهود است و خشونت با ریشه‌ی بعضی - تکفیری در آن موج می‌زند (ابوبکر، ۱۳۹۵: ۱۴۷ - ۱۲۳).

نتیجه‌گیری

با تأکید بر پرسش‌های اصلی این پژوهش عوامل داخلی در سطح ملی و فرو ملی نظیر «فقدان سابقه تاریخی»، «تعارضات هویتی و فقدان هویت ملی فراگیر»، «ناهمگونی نظام سیاسی فعلی با واقعیات ساختاری کشور»، «فقدان رهبری فراگیر»، «ابهامات و ضعف‌های قانون اساسی»، «اختیارات گسترده پست نخست‌وزیری»، «نوع نگرش اهل سنت داخل عراق»، «بافت اجتماعی داخل عراق» و در سطح بین‌المللی «تأثیرپذیری شدید عراق از نظام بین‌الملل»، «حضور بازیگران خارجی مداخله‌گر»، «نگاه منفی کشورهای عربی به عراق جدید» و «عملکرد آمریکا» از اصلی‌ترین عوامل تداوم بحران در عراق شمرده شده‌اند؛ از این رو می‌توان گفت که بحران عراق دارای ویژگی‌های بسیار پیچیده‌ای است که نشان‌دهنده چندلایه‌ای بودن این بحران است؛ شدت پیچیدگی این بحران، ناگزیر پیچیده‌بودن راه‌حل آن را در چند لایه داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی در پی دارد؛ آنچه به عنوان نتیجه کاربردی، از این تحقیق حاصل می‌شود این است که بحران‌های بین‌المللی معمولاً دارای لایه‌های پیچیده‌ای هستند که در هزارتوی مؤلفه‌های روان‌شناسی اجتماعی مردم، نظام ارزشی و باوری جامعه، سمبل‌ها و اسطوره‌های آن‌ها، ساختارهای حکومتی و بوروکراتیک و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در سطح نظام بین‌الملل، نهفته‌شده و ریشه‌دوانیده است. اگر قرار بود بحران‌ها با یک نگاه یک‌سویه و با بررسی یک سری لایه‌ها و مؤلفه‌ها در یک سطح، تجزیه و تحلیل شوند، دیگر تبدیل به بحران نشده و در همان مراحل اولیه قابل حل بودند.

در صورت ظهور مجدد گروهک تروریستی داعش در کشور عراق یا کشوری مشابه؛ که امری کاملاً محتمل می‌نماید، اصلی‌ترین پیش‌بینی این پژوهش بروز تبعات امنیتی مهمی در منطقه نظیر:

- تهدید و تضعیف گفتمان شیعی در عراق؛
- تغییر موازنه قدرت در منطقه؛
- بروز شکل جدیدی از حضور نظامی مجدد آمریکا در منطقه؛
- احتمال همسویی نظم جدید در کشور عراق با رژیم صهیونیستی؛
- تأثیرپذیری گروه‌های تجزیه‌طلب در نواحی مرزی ایران؛

- افزایش خرید و فروش تسلیحات و حضور نیروهای نظامی غربی در منطقه؛
 - کاهش توجه و تمرکز کشورهای اسلامی به موضوع رژیم صهیونیستی به عنوان «کانون معارضه» با اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)؛
 - درگیری داخلی بین گروه‌های اسلامی و «تغییر الگوهای دوستی و دشمنی» در محیط امنیتی آسیای غربی؛
 - تخریب عمق راهبردی و توانمندی الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و... خواهد بود.

با توجه به عوامل مختلف اشاره شده در سطوح ملی و فراملی در عراق باید گفت این کشور مملو از عوامل و علل بحران‌زای متعددی است که حتی اگر گروه‌های مختلف این کشور از بن‌بست سیاسی موجود نیز خلاصی یابند و دولت جدیدی بر سرکار آید همواره دولت‌هایی از این دست مقتدر نبوده و ائتلاف تشکیل دهنده آن بسیار شکننده خواهد بود؛ لذا هر آن می‌باید منتظر بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی در این کشور بود؛ این وضعیت نیز تا مادامی که عراق دوران گذار خود را طی خواهد کرد؛ که البته زمان مشخصی را برای اتمام آن نمی‌توان پیش‌بینی کرد، ادامه خواهد یافت و نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از ثبات و شکوفایی سیاسی در این کشور متصور بود. مسئله داعش را می‌باید در بطن تنازع بزرگ ژئوپلیتیکی شکل گرفته در منطقه تحلیل و ارزیابی کرد. دیوارهای قطور بی‌اعتمادی و نیز عطش سیری‌ناپذیر برخی قدرت‌های نفتی منطقه برای بسط حوزه نفوذ خود که به طور طبیعی واکنش طرف دیگر را در پی خواهد داشت، در کنار پول هنگفت و بی‌دغدغه حاصل از نفت، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری وضعیت موجود در منطقه از جمله بحران داعش است.

منابع

فارسی

- ۱ - آیتی، علیرضا (۱۳۹۱) عراق کانون تأثیرگذار، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۲ - ابوبکر، علی (۱۳۹۵)، داعش برآیند افراط‌گرایی دینی و شکست دولت، ترجمه صباح مفیدی و سمیه رحمانی، تهران: نشر واتا.
- ۳ - اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت.
- ۴ - بدیعی مرجان؛ محمدی احد و زمانی، عظیم (۱۳۹۶)، کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق؛ سرزمین، قومیت و سیاست، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۳: ۶۳۷ - ۶۵۶.
- ۵ - برچر، مایکل (۱۳۸۲)، بحران در سیاست جهان؛ ظهور و سقوط بحران‌ها، ج ۱، ترجمه میرفردین فریسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶ - برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، سیاست خارجی ایران در عراق جدید، مجله راهبرد: معاونت پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۷ - برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، ایران، عراق جدید و نظام سیاسی امنیتی خلیج‌فارس، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۸ - بشارت، مهدی (۱۳۹۱)، اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- ۹ - پناهی، جعفر (۱۳۸۷)، نقش عراق نوین در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج‌فارس، مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاورمیانه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۰ - پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۶)، فرهنگ جغرافیایی سیاسی، تهران: نشر انتخاب.
- ۱۱ - تاجیک، هادی؛ عالی‌شاهی، عبدالرضا و مجیدی نژاد، سیدعلی (۱۳۹۳)، گفت‌وگو حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز - تیلی، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۳: ۲۸۵ - ۲۵۷
- ۱۲ - تقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، عراق جدید: تغییرات ژئوپلیتیک، فصلنامه راهبرد شماره ۳۹.
- ۱۳ - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.

- ۱۴ - دارمی، سلیمه (۱۳۸۸)، خاورمیانه ویژه تحولات عراق، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابراز معاصر تهران.
- ۱۵ - رستمی علی‌اکبر، اسماعیلی محمدمهدی (۱۳۹۵)، راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، شماره ۸۱: ۱ - ۴۰.
- ۱۶ - سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۶)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی در ایران، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- ۱۷ - سهرابی محمد (۱۳۹۶)، تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۰، شماره ۳۸: ۳۸ - ۳۹.
- ۱۸ - سیفی عبدالمجید؛ پورحسن ناصر (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه‌تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۱: ۳۷ - ۶۳.
- ۱۹ - شعبانی، محمد (۱۳۸۶)، تحولات ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۰ - شهیدی، سیدجعفر (۱۳۹۲)، نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ۲۱ - ضرغامی برزین، شوشتری؛ سیدمحمدجواد و انصاری زاده، سلمان (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱: ۱۹۷ - ۲۱۴.
- ۲۲ - غلامی قمی، مصطفی (۱۳۸۶)، نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده اخیر. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۷: ۱۶۷ تا ۱۹۴.
- ۲۳ - کتابی، محمود؛ دهقان، یداله و حیدری، سولماز (۱۳۹۲)، بررسی روابط سیاسی - اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۱۷: ۱ - ۳۳.
- ۲۴ - مبینی کشته زهرا، آجیلی هادی (۱۳۹۳)، نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه، فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین، سال ۳، شماره ۹ (ویژه داعش): ۱۴۲ - ۱۱۹.
- ۲۵ - محمدی مصطفی (۱۳۹۶)، بررسی راهبرد رسانه‌ای گروه تکفیری - تروریستی داعش، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۴۶: ۱۰۸ - ۸۳.
- ۲۶ - مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت (۱۳۸۸)، روندهای امنیتی در عراق و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال آن (نشست تخصصی).
- ۲۷ - مزینانی احمد، خسروپناه عبدالحسین (۱۳۹۴)، پدیدارشناسی تکفیر گرایبی و ارزیابی امنیتی آن، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دوره ۴، شماره ۲: ۱ - ۲۷.
- ۲۸ - واعظی، محمود (۱۳۸۷)، امنیت سازی در عراق؛ بازیگران و رویکردها، مجله همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۴ لاتین.
- ۲۹ - واعظی، محمود (۱۳۸۸)، روندهای امنیتی در عراق و راهبرد ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع گروه کار مطالعات خاورمیانه.

عربی

- ۳۰ - عمار، ظاهر مصلح (۲۰۰۹)، العلاقات السعودیه الايرانیه (۱۹۹۱-۱۹۷۹ م)، مجله ابحاث کليه التربيه الاساسيه، جامعه موصل المجلد التسعه، العدد الثالثه الشرق الاوسط (صحيفه) ۲۸ شباط، ۲۰۰۵ م.
- ۳۱ - لباد، مصطفى (۲۰۰۹)، قراءة في مشروع إيران الاستراتيجی تجاه المنطقه العربيه، مجله شؤون عربيه.

انگلیسی

- 32 - Brinkerhoff, D & Johnson, R w. (2009), Decentralized Local Governemce in fragile states: Iraq, International Review of Administrative Sciencos.
- 33 - Byaman, D, (2003), Constructing a Democratic Iraq, International Security, vol. 28, No. 1.
- 34 - Faur ,Jordana & Jacint, David, "The Politics of Regulation in the Age of Governance", (eds.), The Politics of Regulation, Edward Elgar, 2004
- 35 - Kaufman, Stuart, (2006), symbolic politics or rational choice International
- 36 - Kazemi, A. A, (2005), The Dilema" of Nation- Builing and State Formation in the post - saddam Iraq, "Journal of law and politics".
- 37 - Milani.Mohsen (2005). "Iran.the status quo power".Current History.pp:30-36
- 38 - Waltz, Kenneth, (1979), theory of International politics)New York, Random
- 39 - www.iraqbodycount.org.security, vol. 30, No. 4
- 40 - Yamacoguze, N, (2009), Understanding the Civil violence in Iraq peace Research)